

## نقش قاعده نفی عسر و حرج در قوامیت مرد در خانواده از نگاه فقه شیعه و حقوق جمهوری اسلامی ایران

\* سید موسی موسوی

\*\* محسن ملک افضلی اردکانی

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۰]

### چکیده

قاعده نفی عسر و حرج از قواعد فقهی پرکاربردی است که در ابواب مختلف فقه و حقوق بروز و ظهور دارد. یکی از کاربردهای این قاعده در فقه خانواده و به طور مشخص، در تحدید ریاست و قوامیت شوهر در خانواده است. طبق یافته‌هایی که این مقاله با توصیف و تحلیل عبارات فقه‌های شیعه و قوانین ج.ا.ا به آن رسیده است، قوامیت، به مفهوم مدیریت، از حقوق شوهر است و در ازای آن، تکالیف و وظایفی برای زن جعل شده که شاخصه‌های قوامیت مرد محسوب می‌شوند. اهم این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: لزوم اذن شوهر در خروج زن از منزل در مواردی که با حق استمتاع شوهر منافات دارد، لزوم اطاعت و تمکین خاص از شوهر طبق عرف و لزوم تبعیت زن از شوهر در تعیین محل سکونت. از طرفی جریان قاعده نفی عسر، با پیش‌فرض‌های موجود خود همچون فعلی و شخصی بودن حرج، قوامیت و سرپرستی مرد را در برخی موارد محدود می‌کند. این مقاله ضمن اشاره به مباحثی درباره قاعده نفی عسر و حرج، همچون نوعی یا شخصی بودن و شأنی یا فعلی بودن آن، چگونگی محدود شدن قوامیت مرد در هر یک از شاخصه‌های ذکر شده از طریق این قاعده از منظر فقه شیعه و حقوق ج.ا.ا را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: عسر، حرج، قوامیت، حقوق، قاعده فقهی.

### مقدمه

قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، مردان را قوأم زنان معرفی کرده است. در بحث از قوأمیت نمی‌شود با قطع و یقین نظر داد که مقصود از آن، قوأمیت مرد بر زن در حوزه خانواده و فقط در نقش همسری است یا قوأمیت جنس مرد در برابر جنس زن در همه عرصه‌ها است. از این رو در تفسیر این آیه دو رویکرد را شاهدیم: ۱. قوأمیت مرد در عرصه‌های گوناگون است و به بستر خانواده محدود نیست؛ ۲. آیه مقید است و تنها بر قوأمیت مرد بر زن در کانون خانواده دلالت دارد.

قدر متیقن قوأمیت مرد بر زن، قوأمیت در حوزه خانواده است. زن و مرد در زندگی مشترک از جانب شارع حقوقی نسبت به هم دارند و مکلف به انجام رفتارهایی برای یکدیگرند که در برخی از وظایف خویش، با شرایط و حالات استثنایی مختلفی مواجه می‌شوند و انجام تکلیف با عنوان‌هایی همچون اضطرار، ضرر، عسر و حرج همراه می‌شود؛ به طوری که عقلاً و شرعاً نمی‌توان قوانین اولیه را درباره آنان جاری دانست. در این موارد می‌توان با مراجعه به قواعد عناوین ثانوی که شارع در ساختار قانون‌گذاری اسلام تعبیه کرده است، کلید حل این مسائل را یافت و گره مشکلات فراوانی را باز کرد.

فقه‌های شیعه درباره قوأمیت مرد بر زن، مطالبی را نه به صورت مستقل، بلکه در ابواب فقهی مختلف ارائه کرده‌اند. عده‌ای از جنبه تکلیف به آن نگاه کرده‌اند و قوأمیت را وظیفه و تکلیفی برای مرد دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۸: ۳۲۴/۴؛ ابن‌براج ۱۴۰۶: ۲/۲۲۵؛ منتظری، ۱۳۸۰: ۴۰۲/۲). در مقابل، عده‌ای قوأمیت مرد بر زن را حقی برای مرد دانسته‌اند (حلی، بی تا: ۲/۲۱۱؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۱۳/۱۱۹) که در ازای آن، تکالیفی برای زن ثابت می‌شود.

با جمع‌بندی دیدگاه‌های فقها می‌شود اذعان کرد که قوأمیت حقی برای مرد است که ماهیت تکلیفی نیز دارد. درباره قوأمیت مرد نوشته‌های علمی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه نیز به رشته تحریر درآمده که جنبه‌های مختلف موضوع را مطرح کرده‌اند. از عبارات فقها و پژوهشگران در این عرصه برمی‌آید که قوأمیت مرد در خانواده بدون قید و شرط نیست، بلکه حدود و ثغوری دارد. از جمله مسائلی که باقی می‌ماند و جای کار

دارد این است که نقش قواعد فقهی در تعیین حدود و ثغور قوامیت مرد بر زن چگونه و تا چه میزان است.

از آنجا که قواعد فقهی تأثیرگذار در این باب متعدّدند و در این نوشتار مجال بیان همه آنها وجود ندارد، مقاله حاضر با پیش فرض گرفتن قدر متیقن مذکور در گستره قوامیت مرد، فقط نقش عنوان ثانویه عسر و حرج، به دیگر سخن نقش قاعده نفی عسر و حرج در قوامیت شوهر، را از دیدگاه فقه شیعی و حقوق جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌کند.

## مفهوم واژگان کلیدی

### قوامیت

قیام در لغت به معنای برخاستن و در شرع به همان حالت ایستاده در نماز اطلاق می‌شود (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۳۵۵/۲). راغب چهار معنا برای قیام می‌آورد: ۱. برخاستن با جسم و بدن، قهراً و به ناچار؛ ۲. برخاستن با جسم و بدن به اختیار؛ ۳. قیام به امر یعنی مراعات و حفظ و نگهداری آن؛ ۴. قصد انجام دادن کاری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: کتاب القاف/۶۹۰). قاموس نیز قوام در این آیه را به معنای قیام و قائم به امر و سرپرست می‌داند (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۲/۶).

مفسران نیز قوام در آیه شریفه را به شکل‌های مختلف معنا و تفسیر کرده‌اند. علامه طباطبایی «قیام» را به معنای کسی می‌داند که مسئول قیام به امر شخص دیگری است و کلمه قوام مبالغه در همین قیام است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۴۴/۴). طبرسی نیز قوام بودن مردان را به معنای سرپرست بودن آنان در تدبیر زندگی و تربیت و تعلیم زنان دانسته است (طبرسی ۱۳۷۲: ۶۹/۳). برخی نیز آن را به سلطه داشتن مردان بر زنان تعبیر کرده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۷۰/۱). فخر رازی نیز این تعبیر قرآنی را به معنای مسئول حفاظت و نگهداری زن می‌داند (۱۴۲۰: ۷۰/۱۰).

با توجه به تفاسیر نقل شده، قوامیت مرد به معنای ریاست و سرپرستی وی برای زن و همچنین مسئولیت حفظ و نگهداری خانواده است. متعدی شدن کلمه «قوام» با «علی»

در این آیه شریفه نیز، که به نوعی استعلا در آن وجود دارد، چه بسا شاهدی برای اخذ معنای ریاست و مدیریت از این واژه باشد.

قانون‌گذار در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز - که از فقه امامیه و منابع قرآنی و روایی آن الهام گرفته است - به این امر تصریح کرده، می‌گوید: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است» (شمس، ۱۳۹۶: قانون مدنی، ماده ۱۱۰۵). همان‌گونه که مشهود است، قانون‌گذار واژه «قوام» را در ماده قانونی نیآورده، بلکه از واژه «ریاست» بهره گرفته است. از آنجا که «قوامیت» به ولایت، ریاست، مدیریت، تکیه‌گاه، محافظ و مأمور انجام دادن تکالیف معنا شده (ابن‌منظور ۱۴۰۸: ۵۰۴-۴۹۶/۱۲) و طبق نظر مشهور، در معنای ولایت ظهور دارد (نجفی، بی‌تا: ۳۳۳/۱۷؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۵۰/۶، ۵۱؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۴۴/۱)، قانون‌گذار با وجود قرائن صارفه، از معنای حقیقی آن دست کشیده و طبق قاعده، اقرب‌المجازات را در نظر گرفته و عبارت «ریاست» را در قانون آورده است. البته به نظر می‌رسد توجه قانون‌گذار معطوف به جنبه حق بودن قوامیت نیز بوده و گویا با خصیصه دانستن ریاست برای شوهر، جنبه تکوینی تمایز مرد از زن، در عنایت قانون‌گذار بوده است.

### عسر

عسر در مقابل یسر است و در لغت به معنای صعوبت، مشقت و شدت به کار می‌رود<sup>۱</sup> (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۶: ۳/۲۳۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۵۶۳/۴). معنای عسر در آیات «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح: ۵) و «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق: ۷) نیز صعوبت، مشقت و شدت است که در فارسی از آن به دشواری و سختی تعبیر می‌شود. البته عسر در کتاب‌های لغت به گونه‌ای معنا شده که فقط شامل سختی و مشقت مادی می‌شود؛ اما با مراجعه به عرف به نظر می‌رسد این واژه مشقت معنوی و روحی را نیز در بر دارد. اگر ادامه زندگی زناشویی از نظر مادی مشقت‌آور نباشد، ولی تحمل آن از نظر روحی سخت باشد، در عرف از مصداق عسر به حساب می‌آید. عسر در قانون موضوعه جمهوری اسلامی ایران نیز اعم از مشقت مادی و روحی است. قانون‌گذار در تبصره الحاقی ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، عسر و حرج را چنین تعریف کرده

است: «به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته، تحمل آن مشکل باشد». عبارت این تبصره مطلق است؛ بنابراین عسر در قانون نیز همچون عرف، به مشقت مادی و روحی اطلاق می‌شود.

### حرج

حرج در لغت به معنای ضیق، تنگی و گناه آمده است.<sup>۲</sup> حرج در این آیه شریفه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸)<sup>۳</sup> به معنای مشقت زیاد و تنگی است؛ حرج در آیات دیگر به معنای گناه نیز به کار رفته است.<sup>۴</sup> البته ممکن است بگوییم بین حرج و ضیق تفاوت وجود دارد. برخی حرج را مترادف و به معنای ضیق (ابن فارس ۱۴۰۴: ۳۶۱/۲) و برخی دیگر به معنای ضیق شدید گرفته‌اند (ابن اثیر، بی تا: ۳۶۱/۱؛ واسطی، ۱۴۱۴: ۳۲۱/۳). برخی آن را در مقابل شرح صدر، اطمینان و وسعت می‌دانند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۸۸/۲) و برخی گفته‌اند که حرج نوعی از تنگی است که راه نفوذی در آن وجود ندارد؛ مانند انبوهی از درختان متراکم که ورود و خروج از میان آنها ممکن نیست (عسکری، ۱۴۱۰: ۱۸۱). ثمره آنکه حرج به معنای مشقت و تنگی شدید است؛ از این رو تفاوت حرج و ضیق در شدت و ضعف تنگی است و نسبت بین ضیق و حرج، عموم و خصوص مطلق است، به این معنا که هر حرجی ضیق است، ولی هر ضیقی حرج نیست.

از دیدگاه فقها، مقصود از قاعده نفی عسر و حرج این است اگر تکلیفی «مشقت شدید» و سختی فراوان داشته باشد، حکم آن برداشته می‌شود. بنابراین قاعده نفی عسر و حرج شامل مشقت و سختی موجود در بیشتر تکالیف نمی‌شود؛ چراکه غالب تکالیف فی‌نفسه دارای مشقت‌اند و مطلق حرج، موجب تحقق عنوان ثانوی نمی‌شود، بلکه حرج شدید لازم است. همچنین حرجی بودن به معنای خارج از طاقت انسان بودن نیست؛ چراکه از نظر عقلی، تکلیف به «ما لایطاق» قبیح است. قرآن نیز تصریح می‌کند که تکلیف «ما لایطاق» در اسلام وجود ندارد: «لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». از طرفی نیز ادله قرآنی<sup>۵</sup> و روایی<sup>۶</sup> قاعده نفی عسر و حرج، بیان امتنانی دارند (انصاری، ۱۳۸۹: ۸۷/۲). در حالی که برای رفع تکلیف «ما لایطاق» نیاز به بیان امتنانی نیست؛ زیرا چنین

تکلیفی عقلاً قبیح است و خداوند حکیم چنین تکلیفی نمی‌کند. بنابراین طبق مفاد قاعده نفی عسر و حرج، تکلیفی وجود ندارد که موجب سختی و مشقت زیاد باشد.

### شخصی یا نوعی بودن عسر و حرج

خداوند در مقام جعل و تشریح احکام، دستورها و قوانین مشقت‌آور برای نوع بشر جعل نکرده است و در واقع حکمت تشریح احکام الهی، نفی چنین حرجی است. ملاک این مقام، نوعی بودن حرج است؛ ولی در مقام امثال، طبق نظر مشهور فقهای متأخر (موسوی بجنوردی، بی تا: ۱/۲۳۷؛ حکیم، ۱۳۸۶: ۱۹۰)، مفاد قاعده نفی عسر و حرج، شخصی بودن حرج است؛ یعنی ملاک ثبوت و رفع تکلیف، وضعیت هر شخص به صورت جداگانه است. از استفتائات برخی از فقهای معاصر نیز می‌شود برداشت کرد که مراد از حرج در مقام امثال، حرج شخصی است.<sup>۷</sup>

توجه به این نکته هم لازم است که وقتی ملاک حرج شخصی باشد (نه نوعی)، به این معنا است که مکلف با کوچک‌ترین بهانه‌ای ادعا کند که انجام دادن این تکلیف برای من مشقت دارد؛ اما چنانکه در بحث مفهومی گذشت، فقها ملاک رفع تکلیف اولیه را - با وجود شخصی دانستن حرج - «حرج فاحش» یا «حرج شدید» دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۳۷۹: ۲۸/۳؛ نجفی، بی تا: ۱۱۴/۱۳).

### فعلی یا شأنی بودن عسر و حرج

ملاک در رفع حکم اولی، عسر و حرج فعلی است یا عسر و حرج شأنی؟ برای رسیدن به جواب این پرسش باید گفت که زمان تحقق عسر و حرج با زمان اجرای قاعده نفی عسر و حرج به سه شکل تصور می‌شود:

الف) تحقق عسر و حرج در زمان گذشته: گاهی حرج در زمان گذشته وجود داشته و مکلف به هر دلیلی، توجه به اجرای قاعده نفی عسر و حرج نداشته و متحمل عسر و حرج شده است؛ مثلاً در گذشته زن به علت عدم اذن شوهر برای خروج از منزل - که از شاخصه‌های قوأمیت مرد بر زن در خانواده است - دچار عسر و حرج می‌شد، ولی در همان زمان مشقت آن را پذیرفته و به قوأمیت مرد تن داده بود و با وجود مشقت،

بدون اذن او از منزل خارج نمی‌شد. حال اگر مشقت برطرف شده باشد، آیا می‌توان قاعده نفی عسر و حرج را اجرا کرد و حکم اولی (قوامیت مرد بر زن) را نادیده گرفت؟

با توجه به دیدگاه‌های فقها و ادله موجود، جواب سؤال منفی است و در فرض مذکور، جای اجرای قاعده نفی عسر و حرج نیست؛ زیرا طبق ادله اصولی، فعلیت حکم متوقف بر فعلیت موضوع است و تا زمانی که موضوع تحقق بالفعل نداشته باشد، تعلق حکم به آن بی‌معنا و لغو است (نک: صدر، ۱۴۰۵: ۱۲۱/۱-۱۲۲؛ آملی، ۱۳۹۵: ۳/۳۴۹).

ب) تحقق عسر و حرج در زمان آینده: گاهی عسر و حرج در زمان حال وجود ندارد، بلکه در آینده خواهد آمد؛ برای مثال، مرد بر اساس قوامیتی که در خانواده دارد، به همسر خود اجازه اشتغال در بیرون از منزل را نمی‌دهد و همسر به علت عدم اشتغال اکنون به مشقت نمی‌افتد، بلکه در آینده دچار عسر و حرج می‌شود. در این صورت، جریان قاعده نفی عسر و حرج به قطعی بودن حرج برای مکلف در آینده و همچنین مشرف به وقوع بودن آن بستگی دارد. بنابراین در مثال مذکور نمی‌توان گفت که قاعده نفی عسر و حرج جاری می‌شود؛ چراکه عسر و حرج ناشی از عدم اشتغال زن در آینده نمی‌تواند قطعی باشد، اما اگر در موردی عسر و حرج در آینده قطعی و قابل توجه باشد، قاعده جریان خواهد یافت.

ج) تحقق عسر و حرج در زمان حال: اتفاق فقها و قدر متیقن برای اجرای قاعده همین فرض است. کسانی که قاعده نفی عسر و حرج را با داشتن شرایط و مقتضیات جاری می‌کنند، عسر و حرج فعلی را قدر مسلم آن می‌دانند و در دو مورد دیگر اختلاف نظر دارند.

با صورت‌های سه‌گانه‌ای که بیان شد، معلوم می‌شود که ملاک در حرج، فعلی بودن آن است؛ هرچند در برخی موارد همچون سقط جنین با بهره‌گیری از علم روز می‌توان به قطعی و قابل توجه بودن حرج و در شرف وقوع بودن آن در آینده یقین کرد و قاعده عسر و حرج را جاری دانست (نک: حبیبی تبار، بی‌تا: ۷۷-۷۸).

### بررسی شاخصه‌های قوامیت و نقش قاعده نفی عسر و حرج در آنها

اشاره شد که طبق تصریح مشهور فقهای شیعه و قوانین جمهوری اسلامی ایران، ریاست در خانواده بر عهده مرد است و یکی از حقوق مرد محسوب می‌شود. از طرفی هر جا حقی برای کسی جعل و وضع شود، تکالیفی نیز برای طرف مقابل وضع می‌شود (نک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۰، ۳۱). اعتبار حق وقتی معقول و مفید است که صاحب حق بتواند با استیفای حق خود، به مطلوبش نائل شود و این نیز وقتی ممکن است که همراه با ثبوت حق برای یک موجود، تکلیف رعایت حق او بر دیگران ثابت شود. بنابراین وقتی گفته می‌شود قوامیت از حقوق شوهر بر زن است، لازمه‌اش این است که زن باید تکالیفی داشته باشد که این حق مرد استیفا شود؛ پس قوامیت دارای رشته‌ای از شاخصه‌ها و ویژگی‌ها است که می‌توان آنها را از متون دینی و قانونی احصا کرد.

شاخصه‌های مطرح شده برای قوامیت و ریاست شوهر، در واقع همان تکالیف زن در ازای رسیدن مرد به این حق قانونی است و اگر بنا باشد زن تکالیفی در این باره نداشته باشد، ریاست برای شوهر محقق نخواهد شد. با این وصف، ضمن بیان و بررسی شاخصه‌های قوامیت مرد — که به نوعی تکالیف زن در ازای حق ریاست برای مرد است — نقش قاعده نفی عسر و حرج در هر یک از آنها و چگونگی تحدید قوامیت با این قاعده از نگاه فقه و حقوق ج.ا.ا را بیان می‌کنیم.

### لزوم اذن شوهر در خروج زن از منزل

یکی از شاخصه‌های ریاست مرد، لزوم اذن شوهر در خروج زن از منزل است. اذن به معنای اجازه، اراده و اعلام به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۷/۱). گرفتن اجازه از شوهر برای خروج از منزل برای زن واجب شرعی به‌شمار می‌آید. در روایات متعدد نیز وارد شده که زن برای خروج از منزل به اجازه شوهر نیاز دارد<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۱۳/۵، ۵۱۴).

فقها درباره لزوم اذن شوهر برای خروج زن از منزل دو دیدگاه دارند:

الف) در نظر برخی از فقها، همچون سید ابوالحسن اصفهانی و محمدتقی آملی، اجازه گرفتن زن از شوهر از حقوق مستقل مردان است (اصفهانی، ۱۳۸۸: ۷۵۵؛ آملی،



نقش قاعده نفی عسر و حرج در قوامیت مرد در خانواده از نگاه فقه شیعه و حقوق ج.ا. ۱۶۳ / ۱۳۷۷

۱۳۷۷: ۵۶/۱۲) و خروج زن از خانه شوهر بدون اجازه او حرام است (کاشف الغطاء، بی تا: ۹۷؛ گلیایگانی، ۱۴۱۳ الف: ۱۲۷؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳/۳۲۷).

ب) در نظر برخی دیگر از فقها، همچون علامه حلی در تحریر الأحکام، سید ابوالقاسم خویی در موسوعه و سید علی سیستانی در منهاج الصالحین، اذن شوهر برای خروج زن از منزل در صورتی از حقوق مرد محسوب می شود که خروج زن با بهره مندی جنسی شوهر منافات داشته باشد (علامه حلی، ۱۴۲۱: ۵۸۷/۳؛ خویی، ۱۳۶۹: ۱۰۰/۲۰؛ ۱۷۶/۳۳؛ سیستانی، ۱۴۱۶: ۱۰۶/۳).

به هر حال دیدگاه های فقها در این باب مختلف و هر یک با تعابیر خاصی است. برخی همچون شیخ طوسی معتقدند مرد از باب ریاست بر همسر، حق دارد زن خود را حتی از همراهی جنازه پدر، مادر و فرزندش منع کند؛ زیرا اطاعت از شوهر واجب است و شوهر در همه شبانه روز مستحق بهره وری از زن است. ایشان شرکت در چنین مراسمی را مباح و در این مورد امر واجب را بر مباح یا مستحب مقدم می داند؛ ضمن اینکه اجازه دادن شوهر در چنین اموری را مستحب می داند (طوسی ۱۳۷۸، ۴/۳۳۱). صاحب جواهر نیز خروج زن را بدون اذن شوهر ممنوع دانسته است. وی دلیل این حکم را حق استمتاع شوهر معرفی کرده که در هر زمان بر زن واجب است (نجفی، بی تا، ۱۸۴/۳۱).

با نگاه به فتاوی موجود می توان دریافت که قدر جامع دیدگاه فقها این است که به حکم اولی قوامیت مرد، اگر خروج زن از منزل مستلزم این باشد که حق استمتاع مرد از بین برود، اجازه مرد برای خروج لازم است و زن بدون اجازه نمی تواند از منزل خارج شود؛ چراکه عقد ازدواج تعهدهایی را در پی دارد که زن و مرد ملزم به رعایت آنها هستند. بر زن واجب است که به نیازهای جنسی مرد پاسخ مثبت دهد و مانع مادی و معنوی در برابر رغبت او ایجاد نکند؛ همین نیاز بیرون رفتن بدون اجازه زن از منزل را ناروا می نمایاند.

حال اگر زن بخواهد به حکم اولیه قوامیت مرد عمل کند و به علت نارضایتی مرد از منزل خارج نشود و دچار مشقت شدید شود، قاعده نفی عسر و حرج لزوم اجازه مرد برای خروج از منزل را از زن رفع می کند و زن می تواند بدون اجازه شوهر خود از منزل

خارج شود؛ در عبارت فقها نیز آمده است: «چنانچه ماندن در منزل توأم با عسر و حرج غیرقابل تحمل باشد، خروج جایز است» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۵: ۴۳۱/۱). باید گفت با توجه به آنچه درباره عسر و حرج بیان شد، تحمل ناپذیری در عسر و حرج موضوعیت ندارد، بلکه صعوبت و مشقت شدید است که در عسر و حرج موضوعیت دارد؛ هرچند مکلف آن صعوبت را تحمل کند.

از مصادیق مربوط به عسر و حرج ناشی از لزوم اذن شوهر در خروج زن از منزل یک مصداق بارز در کلام فقها وجود دارد و آن جایی است که مرد به تکلیف خود عمل نمی‌کند یا توان ندارد معاش زن را تأمین کند؛ از این رو زن به سبب تأمین نشدن معاش خود به عسر و حرج می‌افتد. در این صورت، با نگاه فقهی زن می‌تواند طبق قاعده نفی عسر و حرج، برای تهیه معاش بدون اذن شوهر از منزل خارج شود. فتاوی‌ای ذیل در این باره‌اند:

محمدعلی اراکی: «چنانچه نتواند معاش خود را تهیه کند، مگر اینکه بی‌اجازه شوهر از خانه خارج شود، اطاعت از شوهر واجب نیست» (اراکی، ۱۳۷۲، مسئله ۲۴۳۰). سید موسی شبیری زنجانی: «نباید بدون عذر شرعی بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود؛ چنانچه زن ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند و با اطاعت شوهر تهیه معاش برای وی ممکن نباشد، در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر واجب نیست» (شبیری زنجانی، ۱۳۸۲، مسئله ۲۴۲۵).

در حقوق و قوانین جمهوری اسلامی ایران درباره ممنوعیت خروج زن بدون اذن شوهر از منزل حکمی وجود ندارد و قانون‌گذار خروج زن از منزل را منوط به اذن شوهر نمی‌داند، بلکه از مفهوم ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که درباره منع اشتغال زن از سوی شوهر در موارد خاص است، اصل آزادی اشتغال زنان، حتی خارج از منزل و بدون اذن شوهر، مستفاد است. در ماده مذکور آمده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند». مفهوم مخالف این ماده این است که اگر حرفه و صنعتی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن و مرد نبود، مرد نمی‌تواند زن را منع کند، بلکه زن در اختیار آن شغل آزاد است. از طرفی نیز آزادی اشتغال در قانون منوط به اشتغال در منزل نشده و مطلق

است؛ بنابراین به مفهوم این ماده، زن جهت اشتغال نیاز به اذن شوهر برای خروج از منزل ندارد.

### لزوم اطاعت زن از شوهر

دیگر موردی که می‌تواند در فقه اسلامی یکی از شاخصه‌های قوامیت مرد به شمار آید، وجوب اطاعت زن از شوهر است؛ چنانکه در ادامه آیه ۳۴ سوره نساء به این امر اشاره شده است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...». این آیه علامت زنان صالح و نیکوکار را دو چیز می‌داند: ۱. مطیع شوهران خود باشند؛ ۲. در غیاب شوهرانشان نفس و ناموس خویشان و اموال شوهران خود را نگاه دارند، همان‌طور که خدا آنان را حفظ کرده است.

کلمه «قنوت» عبارت است از دوام طاعت و خضوع؛ «خضوع همراه با طاعت» یکی از مواضع تسلیم به شمار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۲۴/۹). مراد از «صالحات» نیز همسران صالح است، نه هر زن صالح. خلاصه حکمی که به صالحات تعلق گرفته و آنان را توصیف کرده، مخصوص زنان در حال ازدواج است، نه مطلق زنان. در این جمله دستور داده شده که زنان صالح در امور مربوط به شئون زوجیت و کیفیت معاشرت منزلی این‌گونه باشند. این حکم در عین حال حکمی است که در محدوده آن تابع علتش، یعنی قیمومیت مرد بر زن از نظر زوجیت، است؛ پس بر زن واجب است شوهر را اطاعت کند و او را در هر شأنی که به شئون زوجیت برمی‌گردد، حفظ کند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۴/۵۴۴).

همچنین روایات متعددی به‌طور مطلق، بر لزوم یا مطلوبیت اطاعت زن از شوهر دلالت دارند<sup>۹</sup> (حر عاملی، بی‌تا: ۱۴/۱۴، ۲۲، ۲۳، ۱۱۲، ۱۲۶؛ نسائی، ۱۳۴۸: ۳۱۰/۵؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۳۰۵/۴).

ذکر این نکته ضروری است که اطاعت تا زمانی می‌تواند حکم و وجوب بگیرد که مطابق با عقل و دین باشد؛ پس قوامیت مرد تا زمانی برقرار است که خلاف دین نباشد و زمانی که از این محدوده پا فراتر نهد و اطاعت زن را در معاصی خواستار شود، دیگر قوامیتی نخواهد داشت.

توجه به این امر نیز لازم است که نگاه فقهی با نگاه اخلاقی متمایز است و برداشت‌های علمای اخلاق از آیات و روایات در حوزه خانواده با برداشت‌های فقها تفاوت دارد. گستره اطاعت زن از شوهر در نگاه اخلاقی وسیع‌تر است (نک: مطهری، ۱۳۶۱: ۸۸). بیشتر فقها اطاعت زن از شوهر را فقط مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل می‌دانند و در کارهای دیگر اطاعت را بر زن واجب نمی‌دانند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷۴؛ سیستانی، بی‌تا: ۱۱۳-۱۱۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۵: ۴۶۹-۴۶۰/۱).

به هر حال با ادله قرآنی و روایی و با سخنانی که از برخی اندیشمندان دینی بیان شد، معلوم شد که اطاعت زن از شوهر یکی از شاخصه‌های قوامیت مرد است. حال اگر اطاعت مذکور، به‌ویژه الزام به تمکین خاص او از جانب شوهر، باعث شود زن به حرج بیفتد، فقه و قانون درباره لزوم یا عدم لزوم اطاعت چه حکمی دارند؟

با توجه به دو دیدگاهی که درباره اطاعت زن از شوهر وجود دارد، جریان یا عدم جریان قاعده عسر و حرج نیز متفاوت خواهد بود. بر اساس دیدگاهی که اطاعت زن از مرد را به‌صورت حق استقلالی برای مرد می‌شمرد و گستره اطاعت را وسیع می‌پنداشت، اگر اطاعت از مرد باعث عسر و حرج برای زن باشد، زن می‌تواند در همه امور، به‌غیر از تمکین خاص، از شوهر اطاعت نکند و قاعده عسر و حرج ریاست و قوامیت مرد را در این امر محدود می‌کند (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶: ۲۱۴/۱)؛ اما در نگاه دوم که اطاعت از مرد را فقط در دو مسئله، یعنی تمکین خاص و خروج از منزل، می‌دانست، جریان قاعده عسر و حرج مقداری متفاوت است. توضیح اینکه اگر اطاعت نکردن به دلیل عسر و حرج ناشی از عدم خروج زن از منزل باشد، قاعده نفی حرج جاری می‌شود و بحث آن گذشت؛ ولی اگر عدم اطاعت به علت عسر و حرج ناشی از تمکین خاص باشد، طبق نظر غالب فقها و قوانین ج.ا.ا، زن می‌تواند با جریان قاعده عسر و حرج اقدام به طلاق قضایی کند (شمس، ۱۳۹۶: قانون مدنی، ماده ۱۱۳۰)، ولی نمی‌تواند با استناد به قاعده نفی عسر و حرج، تمکین خاص نکند و بخواهد زندگی مشترک را ادامه دهد.

نقش قاعده نفی عسر و حرج در قوامیت مرد در خانواده از نگاه فقه شیعه و حقوق ج.ا. ۱۶۷ / ۱۱

البته با توجه به احادیثی مانند «وَلَا تَعْصِينَ بُعُولَتِكُنَّ فِي مَعْرُوفٍ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵/۵۲۶)، اطاعت زن از شوهر در امور غیرمتعارف لازم نیست و اگر مرد به شکل غیرمتعارف تقاضای تمکین خاص کند، زن می‌تواند از مرد اطاعت نکند. همچنین اگر درخواست مرد برای تمکین خاص به وجه حرام باشد، به مستند احادیثی همچون «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۳۵۰)، زن نباید از شوهر اطاعت کند.

### لزوم تبعیت زن از شوهر در اتخاذ محل سکونت

یکی دیگر از جلوه‌ها و شاخصه‌های قوامیت مرد در خانواده تبعیت زن از شوهر در اتخاذ محل سکونت است. اینکه در قانون آمده است: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنا نماید؛ مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد» (شمس، ۱۳۹۶: قانون مدنی، ماده ۱۱۱۴) با انضمام به نظر فقها که فرموده‌اند: «زن باید در منزلی زندگی کند که شوهر در اختیار او قرار می‌دهد» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷)، ثابت می‌کند که لزوم تبعیت زن از شوهر در اتخاذ محل سکونت از شاخصه‌های ریاست مردان در خانواده است.

اگر زن با تبعیت از مرد در اتخاذ منزل و محل سکونت و با خارج نشدن از آن به عسر و حرج بیفتد، فتاوی فقها، به‌ویژه فقهای معاصر، این است که طبق قاعده نفی عسر و حرج، قوامیت مرد محدود می‌شود و زن می‌تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود. این حکم در استفتائی از امام خمینی (ره) درباره زنی که از جانب شوهر بدرفتاری و آزار می‌بیند مشهود است: «اگر بودن زن در منزل شوهر مزبور، حرج است می‌تواند از منزل او برود و در جای دیگر زندگی کند» (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۰۲/۹). امام خمینی (ره) در استفتائی دیگر در پاسخ به اینکه «آیا شوهر می‌تواند زوجه خود را که دچار ناراحتی‌های عصبی است و زندگی در شهر برایش مناسب نیست و باعث تشدید بیماری وی می‌شود، مکلف به اقامت در شهر کند؟»، می‌فرماید: «اگر برای زن حرجی یا ضرری باشد، شوهر نمی‌تواند او را تکلیف به ماندن در آن محل نماید، مگر آنکه با تهیه وسایل رفاهی، ضرر و حرج را از زن رفع نماید» (خمینی، ۱۳۹۲: ۲۰۴/۳).

در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی نیز تصریح شده است: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود».

### نتیجه‌گیری

با بررسی صورت گرفته به این نتیجه می‌رسیم که قوامیت مرد در خانواده به معنای ریاست وی در خانواده است که در قانون نیز از خصایص مرد به شمار آمده است. لازمه ریاست شوهر، وجود تکالیفی برای زن است. سه تکلیف با ریاست مرد رابطه مستقیم دارد و به تعبیری، شاخصه اصلی قوامیت مرد است: ۱. لزوم اذن شوهر در خروج از منزل برای زن در مواردی که با حق استمتاع شوهر منافات دارد؛ ۲. لزوم اطاعت و تمکین خاص از شوهر طبق عرف؛ ۳. لزوم تبعیت زن از مرد در اتخاذ منزل. این شاخصه‌ها باعث می‌شوند که مرد را رئیس و قوام خانواده بدانیم؛ اما برخی از قواعد فقهی این ریاست و قوامیت را محدود می‌کنند. قاعده نفی عسر و حرج از جمله قواعد تحدیدکننده‌ای است که نقش اساسی در تعیین میزان ریاست مرد در خانواده دارد. در این نوشتار چگونگی اجرای این قاعده و محدود شدن قوامیت مرد با این قاعده در هر یک از شاخصه‌ها، به صورت جامع و مبسوط، بررسی شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. العین و السین و الرأ أصلٌ صحیحٌ واحدٌ یدلُّ علی صعوبه و شدّة نقیض الیسر.
۲. الحاء و الرأ و الجیم أصلٌ واحد، و هو معظم الباب و إلیه مرجع فروعه، و ذلک تجمّع الشیء و ضیقّه.
۳. در راه خدا جهاد کنید، و حقّ جهادش را ادا نمایید؛ او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد.
۴. «لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۱)؛ بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند - در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی

نمایند- هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست، و خدا آمرزنده مهربان است.

۵. آیاتی همچون «ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸)، «ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مانده: ۶) و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵).

۶. روایاتی همچون «و [مُحَمَّدُ بْنُ يُعْقُوبَ] عَنْهُ [عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُسِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ الْجُنُبِ يَتَّهِي إِلَى الْمَاءِ الْقَلِيلِ فِي الطَّرِيقِ وَ يُرِيدُ أَنْ يُغْتَسِلَ مِنْهُ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِثَاءٌ يَعْرِفُ بِهِ وَ يَدَاهُ قَدْرَتَانِ قَالَ يَضَعُ يَدَهُ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَغْتَسِلُ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ "مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ" وَ هَمَجْنِينَ «و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنْهُ [الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنْ ابْنِ سَنَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُنُبِ يَحْمِلُ الرُّكُوتَةَ أَوْ التَّوْرَ فَيُدْخِلُ إصْبِعَهُ فِيهِ قَالَ وَ قَالَ إِنْ كَانَتْ يَدُهُ قَدْرَةً فَاهْرَفَهُ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يُصَبِّهَا قَدْرٌ فَلْيَغْتَسِلْ مِنْهُ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى "مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ"».

۷. سؤال: بنده چند سال است که با همسر خود ازدواج کرده‌ام. در رابطه جنسی با همسر خود دارای نعوذ کامل بوده، ولی در بعضی اوقات به علت نداشتن آمادگی روانی در انزال دچار مشکل می‌شوم، آیا این امر موجب حالت عسر و حرج شدید برای همسر بنده است؟

جواب: این امر بستگی به حالت همسران دارد و تشخیص آن بر عهده ایشان است (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمود شاهرودی به آدرس:

<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/132>).

۸. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ».

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنْ رَجَلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ قَالَ وَ إِنْ أَبَاهَا مَرَضَ فَبَعَثَتِ الْمَرْأَةُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَتْ: إِنْ زَوْجِي خَرَجَ وَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُخْرَجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَقْدَمَ وَ إِنْ أَبِي قَدْ مَرَضَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُوذَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَفَعَلْتُ فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَتْ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُوذَهُ فَقَالَ اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثْتُ إِلَيْهِ إِنْ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أُصَلِّيَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثْتُ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ اللَّهُ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لَأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لَزَوْجِكَ.

۹. برای نمونه: حدیثی در اصول کافی از امام باقر (ع) روایت شده است که: «زنی آمد و عرض کرد: یا رسول الله، حقّ مرد بر زن چیست؟ فرمود: از او اطاعت کند و نافرمانی نکند...».

## منابع

- آملی، محمدتقی (۱۳۷۷ش)، مصباح الهدی فی شرح عروه الوثقی، تهران: فردوسی.
- آملی، میرزاهاشم (۱۳۹۵ش)، مجمع الافکار و مطرح الانظار، قم: المطبعة العلمیه.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۶ق)، النهایه، قم: دارالتفسیر.
- ابن براج، قاضی ابن العزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار حیاء التراث العربی.
- اراکی، محمدعلی (۱۳۷۲ش)، رساله توضیح المسائل، تهران: انتشارات ایران.
- اصفهانى، ابوالحسن (۱۳۸۸ش)، وسیله النجاه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخمينی(ره).
- انصاری، مرتضی (۱۳۸۹ش)، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۹۹۶م)، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری (بی تا)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- حبیبی تبار، جواد (بی تا)، تقریرات درس تطبیقات قاعده نفی حرج در فقه الاسره، تقریر جمعی از شاگردان، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- سیستانی، سید علی حسینی (کتاب دیجیتال)، استفتانات آیت الله علی حسینی سیستانی، برگرفته از <http://sistani.org>
- سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۶ق)، منهاج الصالحین، قم: مکتب آیت الله العظمی سیستانی.
- حکیم، محمدتقی (۱۳۸۶ش)، القواعد العامه فی الفقه المقارن، تهران: مجمع العالمی للتقریب بین مذاهب الاسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹ش)، منتهی المطلب، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- حلی، مقداد بن عبدالله (بی تا)، کنز العرفان فی فقه القرآن، بی تا.



نقش قاعده نفی عسر و حرج در قوامیت مرد در خانواده از نگاه فقه شیعه و حقوق ج.ا.ا / ۱۷۱

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه. شبیری زنجان، موسی (۱۳۸۲ش)، *رساله توضیح المسائل*، قم: دفتر آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجان.

شمس، عبدالله (۱۳۹۶ش)، *قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی*، تهران: انتشارات دراک. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۵ق)، *دروس فی علم الاصول*، قم: دارالمنتظر. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۷۸ق)، *المبسوط*، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، *فروق اللغویه*، قم: مکتبه بصیرتی. عاملی کرکی، علی بن حسین معروف به محقق ثانی (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

کاشف الغطاء، جعفر (بی تا)، *سؤال و جواب*، قم: مؤسسه کاشف الغطاء. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق الف)، *ارشاد المسائل*، بیروت: دارالصفوه. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق ب)، *کتاب القضاء*، قم: دارالقرآن الکریم. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۵ش)، *جامع المسائل*، قم: امیرکبیر. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء الاتراث العربی. قرشی بنابی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶ق)، *منهاج المؤمنین*، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱ش)، *مسئله حجاب*، قم: انتشارات جامعه مدرسین. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *احکام النساء*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، *احکام بانوان مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

منتظری، حسین علی (۱۳۸۰ش)، *رساله استفتائات*، قم: ارغوان دانش. موسوی بجنوردی، سید حسن (بی تا)، *قواعد الفقهیة*، نجف اشرف: مطبعه الآداب.

خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۹۲ش)، *استفتائات امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۳۶۹ش)، *التنقیح فی شرح عروه الوثقی*، قم: الهادی.

نجفی، محمدحسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرائع الاسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق)، *سنن النسائی*، بیروت: دارالفکر.

واسطی، محب الدین سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.

وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، *منهاج الصالحین للوحید*، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.